



دکتر مهناز مهربابی زاده هنرمند

عضو هیأت علمی بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

سال بازنشستگی ۱۴۰۰

من؛ مهناز مهربابی زاده هنرمند در سیزدهمین روز از آذرماه سال ۱۳۲۷ در خانواده‌ای مذهبی با دیدگاه‌هایی سنتی در استان کرمان، شهر کرمان به دنیا آمدم. پدر و مادرم صاحب چهار دختر و دو پسر بودند که من دختر سوم و فرزند چهارم خانواده محسوب می‌شدم. در آن دوران که تحصیل جزو اولویت‌های کمترخانواده‌ای بود، پدر و مادرم هر دو مدرک تحصیلی دیپلم داشتند و مادرم زنی نواندیش و تحصیل کرده مدرسه عصمت، اولین دبیرستان دخترانه تأسیس شده در کرمان بود. اجداد پدری‌ام نسل در نسل در شهر کرمان تاجر فرش بودند و پدرم نیز به تبع آن تجارت فرش را پیشه کرد. اعتقادات مذهبی خانواده موجب شده بود دوازده روز اول ماه محرم در خانه ما مجلس عزاداری امام حسین(ع) برگزار شود، از سوی دیگر پدرم همواره بر ادامه تحصیل فرزندان خود چه دختر و چه پسر تأکید داشت و در این راه تمامی امکانات لازم را برای ما تأمین کرده و مشوق فرزندانم بود. دوره دبستان و دبیرستان را در زادگاهم کرمان به پایان رساندم و در تمام این دوران شاگرد اول و یا جزو شاگردان ممتاز بودم و در کنار درس توجه ویژه‌ای نیز به ورزش داشتم به طوری که در دوره دبیرستان به عضویت گروه بسکتبال کرمان درآمدم و یکبار نیز قهرمان دومیدانی این شهر شدم.

ادامه تحصیل از همان دوران ابتدایی جزو اهدافم بود و می‌خواستم به جایگاهی برسم که فردی مفید برای جامعه و موجب افتخار خانواده باشم. پس از پایان دوره دبیرستان به دلیل سکونت خواهر و شوهرخواهرم در

تبریز(آن زمان شوهرخواهرم عضو هیئت علمی این دانشگاه بود) در آزمون پزشکی دانشگاه این شهر شرکت کردم اما موفق به قبولی نشدم و سال بعد همراه با خواهر کوچکترم در آزمون دانشگاه تهران و مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهراء کنونی) شرکت کردیم و موفق شدیم هم زمان در دو رشته تربیت بدنی( دعوت برای امتحان بخش عملی) دانشگاه تهران و روانشناسی مدرسه عالی دختران قبول شویم و برای ادامه تحصیل، رشته روانشناسی مدرسه عالی دختران را انتخاب و راهی پایتخت شدیم.

در مدت چهارسال دوره کارشناسی جزو دانشجویان رتبه نخست کلاس بودم، به طوری که این مقطع را با معدل نزدیک به ۱۸ به پایان رساندم. شاید خواندن این مسئله برای نسل جوان تعجب آور باشد، اما در آن زمان برای دختران هم سپری کردن دوران سربازی لازم بود (بیشتر دختران به عنوان نیروهای سپاه دانش یا بخش بهداشت در مناطق مختلف خدمت می کردند) که البته این مسئله شامل حال من نشد و برخلاف خواهرم که راهی سربازی در عباس آباد و سپس کرمان گردید، من از رفتن به سربازی معاف شدم.

پس از آن تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروم و بعد از مشورت با پدر به این نتیجه رسیدم که رفتن به انگلیس آسان تر از امریکا است و به همین سبب راهی دیدار با خواهر و شوهر خواهرم در این کشور شده و در ابتدا برای یادگیری زبان انگلیسی در کالج زبان شهر یورک ثبت نام کردم. پس از به پایان رساندن دوره زبان تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به دانشگاه آمریکایی بیروت در لبنان- بیروت بروم و بار دیگر پس از مشورت با پدرم عازم بیروت شدم. در دانشگاه بیروت نیز شرط پذیرش، شرکت در دوره های زبان دانشگاه بود تا دانشجو بتواند تحصیل در مقطع کارشناس ارشد را آغاز کند که پس از گذراندن این دوره در مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی ثبت نام کردم و از پانسیون که در آن با سه دختر لبنانی و کویتی زندگی می کردم به خوابگاه دانشگاه که متصل به بیمارستان دانشگاه بود نقل مکان کردم و در این خوابگاه نیز با دختری سیاه پوست اهل موگادیشو کشور سومالی هم اتاق شد.

زمانی که مشغول گذراندن دوره کلاس های زبان در کالج بودم و مقدمات حضور در دوره کارشناسی ارشد را فراهم می کردم گاهی هواپیماهای اسرائیل می آمدند و بر فراز لبنان دیوار صوتی را می شکستند و صدای مهیبی ایجاد می شد. اما به یک باره درست زمانی که قرار بود کلاس های دانشگاه شروع شود جنگ اسرائیل و لبنان آغاز شد که این مسئله تعطیلی دانشگاه را به دنبال داشت و در پی آن سفارت ایران به دانشجویان اعلام کرد که با توجه

به وضعیت کشور لبنان ماندن ایرانیان در این کشور به صلاح نیست و بهتر است لبنان را ترک کنند. بنابراین من نیز مانند بسیاری دیگر از دانشجویان و ایرانیانی که در این کشور زندگی می‌کردند بیروت را ترک کرده و راهی ایران و کرمان شدم. در این مدت برای ادامه تحصیل مدارکم را به چندین دانشگاه در امریکا ارسال کردم تا اینکه از دانشگاهی در ایالات نیومکزیکو پذیرش گرفتم. حضور برادرم در ایالت تگزاس شهر دالاس راه را برایم هموارتر می‌کرد و این بار ایران را به قصد تحصیل در کشور امریکا ترک کردم و با شروع ترم به همراه برادرم که پیش از این در دانشگاه شهر دالاس درس می‌خواند و برای همراهی با من تقاضای انتقال به دانشگاه نورمن را داده بود، به نورمن در ایالت اکلاهما نقل مکان کردیم و هر دو آنجا مشغول به تحصیل شدیم. در همان دوران بود که با همسرم دکتر اردشیر ارضی که او نیز دانشجوی دکترای رشته فارماکولوژی بود از طریق یکی از استادان دانشگاه نورمن آشنا شدم و موضوع خواستگاری اولین بار با برادرم در میان گذاشته شد. زمانی که این موضوع تلفنی به اطلاع خانواده رسید، پدرم نظرش این بود که مراسم عقد در ایران برگزار شود و روز ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۷ در جمعی کوچک و خانوادگی با مهریه یک جلد کلام الله مجید و یک کاسه نبات که فی‌المجلس هم خورده شد، به عقد یکدیگر درآمدیم.

چند روز بعد از برگزاری مراسم عقد، با در دست داشتن دو چمدان همراه با همسرم عازم تهران و از آنجا رهسپار اهواز زادگاه او شدیم. پس از آمدن به اهواز چون همسرم شش ماه پیش از عزیمت به ایران با موافقت دانشگاه جندی شاپور اهواز، به عضویت هیئت علمی دانشکده داروسازی این دانشگاه درآمده بود منزلی در کوی استادان به ما تعلق گرفت. پس از آن من نیز تقاضای استخدام خود را به دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دادم که پس از مصاحبه‌ای در شهریور ۱۳۵۷ به عنوان عضو هیئت علمی قراردادی دانشگاه جندی شاپور اهواز استخدام و از مهرماه همان سال کار تدریس را آغاز کردم.

در اولین روز از شهریور سال ۱۳۵۹ اولین فرزندم به دنیا آمد و در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب نام لاله را برای فرزندم انتخاب کردم. هنوز از تولد لاله چهل روز نگذشته بود که رژیم بعث عراق به ایران حمله کرد و نزدیک شدن تانک‌های عراقی شرایط زندگی در اهواز را سخت و نگران‌کننده می‌کرد و این مسئله موجب شد با فرزندم به همراه خانواده یکی از همکاران که آن‌ها نیز ساکن کوی استادان بودند اهواز را به قصد رسیدن به مکانی

امن تر ترک کنیم، اما همسرم در میانه راه از ما جدا شد و بار دیگر به اهواز بازگشت زیرا جزو گروه پزشکی بود که باید در شهر می ماند.

پس از سپری کردن چند روز سخت و دشوار توانستم خود و نوزادم را به خانه پدری در کرمان برسانم و پس از اینکه همسرم نیز خود را به ما رساند تصمیم گرفتیم لاله را به عمه اش در اصفهان سپرده و بار دیگر به اهواز بازگردیم. در بازگشت متوجه شدیم شرایط زندگی در کوی استادان به دلیل نزدیکی به منطقه ای که عراقی ها تلاش داشتند از آنجا وارد اهواز شوند بسیار خطرناک است، به همین دلیل پس از بازگرداندن فرزندم محل سکونت خود را تغییر دادیم، تا اینکه با بحرانی شدن وضعیت شهر اهواز دانشگاه با انتقال من به دانشگاه کرمان موافقت کرد. فرزند دومم در ۵ شهریور ۱۳۶۱ در کرمان به دنیا آمد. وقتی معین یک ساله و لاله سه سال داشت به خاطر بازگشایی دانشگاه ها بار دیگر به اهواز بازگشتیم و در سال ۱۳۶۵ سوره فرزند سومم در این شهر به دنیا آمد و من در آن زمان مسئولیت معاونت آموزشی دانشکده علوم تربیتی را برعهده داشتم.

ادامه تحصیل در مقطع دکتری از دغدغه های همیشگی ام بود و بالاخره توانستم در سال ۱۳۶۸ در دوره دکترای دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شوم. آن سال اولین دوره دکترای روانشناسی ایران در دانشگاه تربیت مدرس برگزار می شد و من به اتفاق دو نفر دیگر از آقایان، یکی از دانشگاه شهید بهشتی و دیگری دانشگاه بقیه الله در اولین دوره روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدیم و توانستم به عنوان اولین دانشجوی زن مقطع دکترای روانشناسی ایران از این دانشگاه فارغ التحصیل شوم.

آن زمان در کنار مسئولیت معاونت آموزشی دانشکده و تدریس نقش مهم تری را به عنوان مادر لاله ۹ ساله، معین ۷ ساله و سوره ۳ ساله برعهده داشتم و تلاش می کردم به بهترین شکل به تمامی وظایف خود بالأخص وظیفه مادری عمل کنم و البته در این بین همسرم نیز همراهی صبور برای من بود تا اینکه با پایان یافتن دوره آموزشی و اتمام مأموریت به تحصیل در تهران، به اهواز بازگشته و بار دیگر در دانشگاه شهید چمران اهواز به آموزش دانشجویان همت گماشتم.

در تمامی این سالها علاوه بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی به عنوان یک عضو هیئت علمی دانشگاه، همواره در فعالیت اجتماعی نیز مشارکت داشته و تلاش کردم تا آنجا که ممکن است سایر فعالیت ها، من را از وظیفه

همسری و مادری بازندارد و اکنون همسر در مرتبه استادی و فرزندانم لاله دکترای بیوشیمی، معین دکترای مهندسی متالوژی و سوره نیز کارشناس ارشد مدیریت جهانگردی هستند.

معتقدم خواستن، توانستن است و آنچه مهم است خواستن است. خواستنی که با توجه به شناخت فرد از خویشتن و شناخت استعدادها و توانایی‌هایش به دست آید، زیرا شناخت انسان از خویشتن عامل مهمی در پیشرفت و ترقی است و انسان پس از شناخت از خویشتن است که می‌تواند در حد توانایی‌اش از خودش انتظار داشته باشد و نه بیشتر. انسان باید از اطرافیان خود در حد امکانات و توانایی‌هایش انتظار و توقع داشته باشد زیرا این امر باعث می‌شود که فرد از آنها ناامید و دلسرد نشده و خود آنها هم نسبت به خودشان امیدوار خواهند شد و عزت نفس‌شان حفظ می‌گردد.

در پایان به بخش‌هایی از افتخارات دکتر مهناز مهرابی زاده هنرمند عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز اشاره می‌شود:

سوابق آموزشی، پژوهشی و اجرایی:

دکتر مهناز مهرابی زاده هنرمند از سال ۱۳۵۷ در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی شهید چمران اهواز مشغول به تدریس است و اکنون استاد پایه ۵۱ گروه روانشناسی محسوب می‌شود.

#### سوابق آموزشی

مقطع کارشناس: تدریس در درس روانشناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان، روش تحقیق، تفاوت‌های فردی، آمار، روانشناسی عمومی و تربیتی

مقطع کارشناسی ارشد: تدریس در درس ساختارالات یادگیری، خانواده‌درمانی و روانشناسی پزشکی و نوروپسیکولوژی

مقطع دکتری: تدریس در درس انگیزش و هیجان، روانشناسی فیزیولوژیک و نوروپسیکولوژی و روانشناسی شخصیت

#### سوابق پژوهشی

روانشناسی فیزیولوژیک (ترجمه) سال انتشار ۱۳۷۹

ساخت و تحلیل پرسشنامه (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۴

- تکلیف خانه (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۵
- نقش والدین در آموزش کودکان (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۵
- طراحی کلاس‌های سازنده (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۵
- سازمان‌دهی تدریس (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۷
- آزمون و ارزیابی (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۸
- اضطراب امتحان و شیوه‌های مقابله با آن (ترجمه) سال انتشار ۱۳۸۹
- اضطراب امتحان (ترجمه) سال انتشار ۱۳۹۱
- اختلالات شخصیت (ترجمه) سال انتشار ۱۳۹۴؛
- کمال‌گرایی مثبت کمال‌گرایی منفی (تألیف) سال انتشار ۱۳۸۲
- راهنمای مداخله شناختی- رفتاری در کودکان مبتلا به بیماری‌های مزمن (به‌ویژه آسم) (تألیف) سال انتشار ۱۳۹۴.
- طرح درمانی یکپارچه نگر برای درمان فراتشخیصی اختلالات هیجانی (ترجمه) سال انتشار ۱۴۰۰.
- مقالات ارائه‌شده در کنگره‌های داخلی: ۹۰ عنوان
- مقالات ارائه‌شده در کنگره‌های خارجی: ۱۷ عنوان
- مقالات چاپ‌شده در مجلات داخلی/خارجی: ۲۸۲ مقاله
- استاد راهنمای رساله‌های دکتری: ۲۹ رساله دکتری
- استاد راهنمای پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره کارشناسی ارشد: ۵۹ پایان‌نامه ارشد
- استاد مشاور پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره کارشناسی ارشد: ۸۱ پایان‌نامه ارشد
- استاد مشاور پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره دکتری: ۴۱ رساله دکتری
- استاد نمونه کشوری در سال ۸۷-۱۳۸۶

#### سوابق اجرایی

معاون آموزشی دانشکده سال ۱۳۶۲

مدیر گروه روانشناسی سال ۱۳۷۵

معاون پژوهشی دانشکده سال ۱۳۷۷

ریاست دانشکده سال ۱۳۷۹

نماینده دانشگاه در کمیسیون بانوان استان خوزستان سال ۱۳۷۳

جانشین ریاست دانشگاه و نماینده وزارت علوم، تحقیقات فناوری در کمیته امور بانوان و جوانان شورای

برنامه‌ریزی، توسعه و عمران استان خوزستان ۱۳۸۰

دبیر منتخب کمیته ارتقاء عمودی اعضا هیأت علمی سال ۱۳۷۱

سر دبیر مجله دست‌آوردهای روانشناسی سال ۱۳۸۸

سر دبیر نشریه روان‌شناسی اجتماعی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز) سال ۱۳۹۱

سر دبیر فصلنامه دست‌آوردهای روانشناختی سال ۱۳۹۴

دبیر کمیسیون تخصصی علوم انسانی، اجتماعی و هنر سال ۱۳۹۷

### موفقیت‌های شاخص

قهرمان دومیدانی سال ۱۳۴۵

عضو هیأت علمی برگزیده در هفته پژوهش سال ۱۳۸۱

پژوهشگر نمونه کشوری سال ۱۳۸۷

زن پژوهشگر نمونه استان خوزستان سال ۱۳۸۷

کسب مقام دهم از دانشمندان پرتألیف ایران در حوزه علوم انسانی سال ۱۳۹۲

پژوهشگر نمونه سال ۱۳۹۳

پژوهشگر برتر دانشگاهها و مراکز آموزشی استان خوزستان در محور علوم انسانی در هفته پژوهش و فناوری

سال ۱۳۹۴

کسب مقام پانزدهمین محقق پرتولید علوم انسانی کشور سال ۱۳۹۵

پژوهشگر منتخب دانشگاه در محور علوم انسانی سال ۱۳۹۶

استاد نمونه آموزشی سال ۱۴۰۰.

### عضویت در مجامع علمی

عضو مجمع American Psychological Association نیویورک آمریکا سال ۱۹۸۶

عضو انجمن متخصصان روانشناسی تهران سال ۱۳۷۵

عضو شورای فرهنگی دانشگاه سال ۱۳۷۲ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده سال ۱۳۷۷ تاکنون

عضو کمیته تخصصی گروه علوم انسانی هیأت ممیزه دانشگاه سال ۱۳۸۰

عضو کمیته تخصصی گروه روانشناسی سال ۱۳۷۷ تاکنون

عضو کمیته تخصصی ششمین سمینار ارائه یافته‌های پژوهشی آموزشی و پرورشی و دانشکده سال ۱۳۸۱

عضو کمیته علمی همایش علمی- پژوهشی مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی سال ۱۳۸۲

عضو علل البدل هیأت منصفه رسیدگی به تخلفات تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان سال ۱۳۸۳

عضو شورای برنامه‌ریزی مشاوره سال ۱۳۸۳

عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی سال ۱۳۷۶ تاکنون

عضو کمیته پژوهشی جهاد دانشگاهی اهواز سال ۱۳۸۵ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی بالینی (دانشگاه سمنان) سال ۱۳۸۶ تاکنون

عضو هیأت اجرای جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران سال ۱۳۸۷ تاکنون

عضو شورای انتشارات دانشگاه سال ۱۳۸۷ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی (انجمن ایرانی روانشناسی) سال ۱۳۸۸ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی اجتماعی سال ۱۳۸۹ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله زن و فرهنگ سال ۱۳۹۰ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی سال ۱۳۹۳ تاکنون

عضو کارگروه برگزیدگان کمیته اجرایی آئین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه سال ۱۳۹۴

عضو شورای فرهنگ عمومی استان خوزستان سال ۱۳۹۴ تاکنون

عضو هیأت تحریریه مجله دستاوردهای روانشناسی بالینی سال ۱۳۹۵ تاکنون

عضو شورای انتشارات دانشگاه سال ۱۳۹۷ تاکنون

من هم اکنون استاد پایه ۵۱ گروه روان‌شناسی بالینی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی هستم.



با توجه به دینی که نسبت به دانشکده دارم بر خود لازم می‌دانم که در پایان درخصوص دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مطالبی را به طور مختصر بیان کنم.

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز با بیش از سی سال سابقه خدمت در جهت گسترش دانش در این مرز و بوم، در بین دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی کشور، نقش ویژه‌ای داشته و از جایگاه رفیعی برخوردار است. این دانشکده در سال ۱۳۵۱ تأسیس شد و از آن تاریخ تاکنون مراحل پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. این دانشکده تا سال ۱۳۵۷، علاوه بر ایجاد دوره‌های کارشناسی، پنج دوره‌ی کارشناسی ارشد، شامل روانشناسی صنعتی و سازمانی، مبانی تعلیم و تربیت، راهنمایی و مشاوره، مدیریت آموزشی و روان‌شناسی تربیتی را تأسیس کرد. دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی هم‌اکنون با ۶ گروه آموزشی، ۴ رشته‌ی دوره کارشناسی، ۱۲ رشته‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد و ۶ رشته‌ی دوره‌ی دکتری مشغول فعالیت است. در تمام این سالها، با همه مشکلات و کمبودها، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشکده به نحو شایسته انجام پذیرفته است. فعالیت‌های پژوهشی که به‌طور سنتی در این دانشکده جایگاه والائی داشته است در دوره جدید از رشد چشمگیری برخوردار بوده است و اغلب اعضای هیات علمی آن به فعالیت‌های پژوهشی بنیادی و کاربردی مشغولند و با سازمانهای مختلف صنعتی، آموزشی و خدماتی ارتباط پژوهشی دارند.

اسفند ماه ۱۴۰۰